

چاپ و جامعه در چین و در باختر زمین

نوشته ذرین ذروئن - شوئین



روایت کرده‌اند که اختراع کاغذ در چین به دست دزهایی لون انجام گرفت که از درباریان بود و به فکر اقتصاد با استفاده از پوست درخت خیسانده و ضایعات کتف و قطعات پارچه کهنه چیزی را که ما امروز «کاغذ» می‌نامیم بسازد. در این تصویر حکاکی شده در قرن هجدهم، دزهایی لون میان چهار تن از خدمتکاران خود با وسایل نگارش پشت میزی نشسته است. در جلو تصویر خرکی و خروسی دیده می‌شوند که گفته می‌شود زودتر از همه، یکی با پوزه‌اش و دیگری با نوکش، ورق‌های کاغذ خیس را از هم جدا کردند.

حروفچینی با حروف متحرک چوبی در چاپخانه سلطنتی در دربار چینگ در حدود سال ۱۷۳۳.



به علت کثرت نشانه‌ها در خط چینی استفاده از قالب‌های چوبی برای چاپ کتاب تا همین اواخر رایج‌تر از حروف مجزا بود. تهیه قالب چوبی هم ساده‌تر بود و هم ارزان‌تر. نگهداری قالبها آسان بود و آنها را می‌شد برای تجدید چاپ بی‌هیچ زحمتی دوباره به کار گرفت؛ از حروف متحرک بیشتر برای تولید کتابهای پُر حجم در مقیاس وسیع استفاده می‌شد. با وجود این هم قالبهای چوبی و هم حروف متحرک اندک اندک از میدان خارج شده و جای خود را به فنون جدید چاپ سپرده‌اند.

از جمله شرایط لازم برای حدوث هر اختراع مفید آمادگی مادی و در عین حال فکری برای آن است. علاوه بر وجود ذهنهای خلاق و تقاضای عمومی، مصالح لازم و فنون اساسی مورد استفاده نیز باید فراهم باشند. از آنجا که همه تسهیلات مادی لازم برای این اختراع هم در اروپا و هم در چین فراهم بوده‌اند از خود می‌پرسیم که چرا در یک تمدن تحقق یافت ولی در تمدن دیگر بروز نکرد؟ کاربرد زود هنگام چاپ در چین در اصل به علت اختراع زود هنگام کاغذ بود و استفاده تخصصی از مهر و شیوه اثر برداری برای تکثیر و نیاز شدیدی که به یک وسیله مکانیکی برای تکثیر متون نوشته شده به خط پیچیده ایدئوگرامی (اندیشه نگاشتی) چینی وجود داشت، و لزوم یکدست کردن متون کنفوسیوس برای استفاده در امتحانات دیوانی، و سرانجام تقاضا برای نسخه‌های زیادی از متون مقدس بودایی که نسخه برداری دستی جوابگوی آن نبود. در مغرب زمین استفاده از کاغذ در دورانهای نسبتاً متأخر رواج یافت، از مهر به عنوان وسیله تکثیر استفاده نمی‌شد، شیوه اثر برداری هم تا این اواخر شناخته نبود و چاپچی‌ها را اتحادیه‌های حرفه‌ای یا صنفی محدود می‌کردند. سهولت نسبی خطوط الفبایی اروپایی نیز نیاز به وسیله تکثیر مکانیکی را تخفیف می‌داد.

بدینسان مصالح و فنون لازم برای اختراع چاپ پدید نیامدند، اگر هم آمدند در جهت فرایند چاپ حرکت نکردند. از آن گذشته، انگیزه یا تقاضا برای تهیه نسخه‌های متعدد از متن واحد، آسان که در مورد بودایی‌گری پیش آمد، در اروپا وجود نداشت. نیازهایی که وجود داشت از راه استنساخ دستی برآورده می‌شد. جوامع غربی تنها زمانی به آستانه اختراع چاپ رسیدند که این عوامل در نیمه قرن پانزدهم تغییر کردند.

فن چاپ تولید و توزیع انبوه و اقتصادی کتاب را تسهیل کرد و تأثیر عمیقی بر اندیشه و روابط اجتماعی در اواخر قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم گذاشت. روحیه

در جمع فرآورده‌های جهان باستان کمتر فرآورده‌ای است که اهمیت اختراع چینی کاغذ و فن چاپ را داشته باشد.

اختراع کاغذ در چین در سالهای قبل از میلاد مسیح صورت گرفت. از اوایل قرن دوم میلادی کاغذسازی با استفاده از مصالح تازه و شیوه‌های بهتر پیشرفت کرد. در قرن سوم دیگر استفاده از کاغذ در بخشهای وسیعی از خاک چین متداول شده بود و مسافرت کاغذ به فراسوی سرزهای کشور آغاز شد؛ و درست پیش از آغاز عصر جدید کاغذسازی به مغرب زمین رسید. چاپ قالبهای چوبی قلمکار در حدود سال ۷۰۰ میلادی رواج یافت، و استفاده از حروف متحرک چند قرن زودتر از گوتنبرگ انجام گرفت. و حتی مرکب ثابت مشکی ساخته شده از دوده که در غرب به «مرکب چین» معروف است ریشه در تمدن باستانی کشور دارد. وجود این عناصر ابتکاری بود که تهیه و توزیع وسیع مدارک مکتوب را میسر ساخت. برخلاف تصور رایج، اختراع کاغذ اختصاصاً به منظور پدید آوردن وسیله‌ای برای نوشتن نبود. کاغذ در سطح وسیعی در هنرهای زیبا و تزیینی، در مراسم و جشنها، در معاملات تجاری، برای نگهداری سوابق، به عنوان وسیله اعطای اعتبار و تبادل پول، در تهیه لباس و لوازم منزل، برای مقاصد پزشکی و بهداشتی، و در تهیه وسایل تفریح و پذیرایی به کار می‌رفت. کاغذ زودتر از اوایل قرن اول میلادی برای نوشتن مورد استفاده قرار نگرفت و تا قرن سوم نتوانست در کتابت کاملاً جایگزین ورق‌های خیزران و چوب، با وجود حجم بیشترشان بشود. استفاده از کاغذ، کتاب را ارزان‌تر و قابل حمل‌تر ساخت ولی تولید و توزیع وسیع کتاب پیش از اختراع چاپ میسر نبود.

استفاده از شیوه‌های تکثیر شبه چاپ در چین سابقه‌ای طولانی دارد. از جمله کاربرد مهر روی گیل رس و بعد روی ابریشم و کاغذ، استفاده از انگاره (نقش بریده شده یا سوراخ شده در کاغذ) برای ایجاد نقشهای مکرر روی پارچه یا کاغذ، و اثر برداری از روی کتیبه‌های سنگی به کمک مرکب و مالش. همه این فرایندها تدریجاً منجر به کشف شیوه‌های بهتر نسخه برداری مکانیکی و چاپ شد. استفاده از حروف متحرک در اواسط قرن یازدهم اتفاق افتاد و چاپ چند رنگ در قرن دوازدهم و یا حتی زودتر. حروف متحرک را اول از سفال می‌ساختند ولی بعد مصالح دیگری چون چسب و فلز و انواع چینی‌های لعابدار نیز به کار گرفته شد.

رُسناس جنبش اصلاح کلیسا را برانگیخت و این انگیزش به نوبه خود باعث تحوّل بیشتر صنعت کاغذسازی و چاپ شد، به طوری که طبع و نشر کتاب را به صنعت پُر رونقی تبدیل کرد. رواج چاپ همچنین به استقرار زبانهای ملی و ادبیات بومی کمک کرد و حتی مشوق ملت‌گرایی (ناسیونالیسم) شد؛ آموزش و پرورش را رواج داد، بیسوادی کاهش یافت و فرصتهای بیشتری برای تحرک اجتماع پدید آمد. به طور خلاصه، تقریباً هر چیزی که در پیشرفت تمدن در عصر جدید مؤثر بوده است به ترتیبی با اختراع و تحولات چاپ در مغرب زمین پیوند دارد.

تولید انبوه متون احتمال بقا و حفظ آنها را افزایش داد، و احتمال از میان رفتنشان به علت غفلت یا نابودی مجموعه‌های منحصر به فرد کاهش یافت. ولی تأثیرش پیش از اینها بود. توزیع وسیع‌تر متون و گسترش دایره خوانندگان به این معنی بود که از آن پس انحصار کلیسا بر علم و معرفت از سوی افراد غیر مذهبی و عامی چون وکلای دعاوی و بازرگانان و کسبه و صنعتگران که از جمله مصرف‌کنندگان مهم کتاب شده بودند مورد سؤال قرار می‌گرفت. از طرف دیگر آثار مؤلفان هومانیست تدریجاً قرب و منزلت می‌یافتند و آثار مذهبی را که تا آن زمان صدرنشین بودند کنار می‌زدند. با افزایش تعداد خوانندگان و گسترش دامنه موضوعهایی که مورد توجه نویسندگان قرار می‌گرفت محققان متوجه تناقضات و عدم انسجام برخی مطالب در متون مقدس شدند، و اعتقادشان به اعتبار نظرات کهن سُست گردید و راه برای پیشرفت علم جدید گشوده شد.

یکدست شدن متون چاپ شده درست نقطه مقابل انحطاطی بود که به ناچار در همه متون استنساخ شده با دست وجود داشت. ماشین چاپ البته بی‌غلط بودن متن را تضمین نمی‌کند، ولی تصحیح چند باره نمونه‌های حروفچینی قبل از مرحله چاپ و توزیع غلطنامه پس از چاپ، زمینه را برای چاپهای پاکیزه‌تر بعدی فراهم می‌آورد. کارهای ویرایشی چاپچی‌های اولیه تا حدی باعث نظم بخشیدن به شکل ظاهری و تقسیم‌بندی کتابها گردید، چیزی که در نسخه‌های خطی نوشته شده به دست کاتبان اصلاً وجود نداشت؛ این نظم به تدریج عادت به درست و منظم اندیشیدن را در خوانندگان ایجاد کرد و نیز اصل تشکّل دانش در زمینه‌های گوناگون مستعد را رواج داد.

ناشران به نوبه خود استفاده از زبانهای بومی اروپا را که باعث گسترش بازار آنان می‌شد تشویق می‌کردند. آسان شدن طبع و نشر کتاب به زبانهای ملی باعث تثبیت واژگان، دستور زبان، ساختار، املاء و نقطه‌گذاری در این زبانها می‌شد و به رواج آنها کمک می‌کرد. با نشر تعدادی آثار داستانی و خواننده شدن آنها توسط گروههای وسیع خوانندگان، زبان مشترک استقرار می‌یافت و این امر به نوبه خود مآلاً به رشد بعدی ادبیات و فرهنگهای مشخص ملی کمک می‌کرد.

رشد آموزش و پرورش در میان طبقات مردم و کاهش بیسوادی نیز ارتباط مستقیمی به توسعه صنعت چاپ داشت؛ با ارزان شدن و سهل الوصول شدن کتابها تعداد بیشتری از مردم به متون چاپی دسترسی می‌یافتند و از این راه دیدشان از جهان و جایگاه خودشان در آن دگرگون می‌شد، و طبعاً دسترسی بیشتر به مواد چاپی به معنی افزایش تعداد باسوادان بود و این خود باعث افزایش



اولین تصویر از یک کتابفروشی در چین در گوشه‌ای از یک نقاشی قرن ۱۷ که «جشن بهاری در کنار رود» نام دارد.

تقاضا برای کتابهای بیشتر می‌گردید.

به طور کلی، صنعت چاپ در اروپا از قرن شانزدهم به بعد به شدت توسعه یافت و پشتیبان بسیاری از دگرگونیهای اساسی و بنیادی در اندیشه و اجتماع گردید. از طرف دیگر پیشرفت چاپ در چین و سایر کشورهای خاور آسیا برعکس یکنواخت بود و تنها تغییرات اندکی را در چهارچوب سنن دیرپای این کشورها پدید آورد. این تفاوتها ناشی از ویژگیهای خاص فرهنگهای شرقی و غربی است، مخصوصاً در حدی که به نظر گاه آن دو از زندگی مادی مربوط می‌شود.

جامعه چینی از دیرباز زیر سلطه سنت اندیشه‌های کنفوسیوس بوده است، که دلمشغولی آن در درجه اول ایجاد روابط انسانی صحیح و نظام اجتماعی درست از راه تعلیمات اخلاقی و علم اخلاق است و نه پیشرفت مادی و پدید آوردن شدیدترین دگرگونیها در جامعه. درجه اعلاّی ثبات اجتماعی و فرهنگی چین، طی دورانیهای طولانی تاریخ آن، مخصوصاً از قرن سیزدهم تا نوزدهم، تفاوت چشمگیری با آشوبهای زندگی و ناآرامیهای فکری دنیای غرب در همان دوران دارد.

چنین محیطهای متفاوتی در چین و مغرب‌زمین به ناچار بر نقش چاپ تأثیر گذاشتند، یعنی نه تنها شرایط سیاسی و اجتماعی زمان صنعت چاپ را شکل دادند، بلکه صنعت چاپ نیز متقابلاً تأثیری برابر بر آن شرایط گذاشت.

دزین دزونن - شوئین (TSIEN TSUEN-HSUIN)
استاد ممتاز ادبیات و کتابداری چینی و موزه‌دار ممتاز مجموعه خاور دور در دانشگاه شیکاگو در کار تاریخ چاپ در چین از جمله برجسته‌ترین خبرگان جهان است. وی مؤلف رساله کاغذ و چاپ است که بخش اول پنجمین مجلد کتاب عظیم علم و تمدن در چین (تألیف جوزف نسیدم، انتشارات دانشگاه کمبریج) را تشکیل می‌دهد و مقاله حاضر از آن استخراج شده است. از جمله آثار دیگر پروفیسور دزونن کتاب زیر است: نوشته شده بر خیزران و ابریشم: سر آغاز کتابها و کتیبه‌های چینی (انتشارات دانشگاه شیکاگو)